

رد پیشنهاد آمریکا از سوی ایران

کیوان مهرگان

یکی از ایرانیانی که همواره خط تماسی بین تهران و کارگزاران سیاست در ایالات متحده بود، هوشنگ امیراحمدی است. استاد دانشگاهی که ۲۵ سال است می‌کوشد پل‌های خراب شده بین واشنگتن - تهران را ترمیم کند. نه قدرت دارد، نه پول. اما از قدرت استقبال می‌کند حتی اگر این قدرت محمود احمدی‌نژاد باشد. امیر احمدی به تقلید آبی که لابی اسرائیل در واشنگتن است کوشیده با تاسیس شورای آمریکاییان - ایرانیان لابی بین تهران و واشنگتن باشد. اما ارمغان تاسیس این لابی برای او صفت دلال رابطه بود. وی در گفت‌وگوی اینترنتی خود با آسمان از ارائه نوافقنامه نظامی از سوی فرمانده نیروهای آمریکایی در خلیج فارس خبر می‌دهد که با مخالفت تهران به بایگانی سپرده شده است.

به عنوان سوال اول می‌خواستم مجموعه اخباری که از یکماه گذشته بین ایران و غرب به خصوص آمریکا رخ داده را جمع‌بندی کنیم. جمع‌بندی شما از این حوادث چیست؟ از تلاش آمریکا برای ایجاد یک خط ارتباطی فوری تا تکاپوی روس‌ها برای از سرگیری مذاکرات بین ایران و غرب. از اتهام سخت، سنگین و درعین حال باورنکردنی ترور سفیر عربستان تا گزارش اخیر مدیرکل آژانس که به صراحت با فشار ایالات متحده پیش از موعد منتشر شد.

خبرها زیاد و ضدونقیض بوده‌اند. اول چند اتفاق خوب در رابطه ایران و آمریکا پیش آمد: سفر آقای احمدی‌نژاد به آمریکا همزمان شد با آزاد شدن دو آمریکایی که در ایران زندانی بودند. فرمانده مرکز فرماندهی آمریکا در خاورمیانه که در قطر مستقر است، پیشنهاد داد که بین ایران و آمریکا یک خط ارتباطی اورژانس ایجاد شود تا احتمال برخورد تصادفی بین ناوگان‌های ایران و آمریکا در خلیج فارس کم شود. آقای احمدی‌نژاد نظر مثبت ابراز کرد. در همین دوره بود که وزیر امور خارجه روسیه هم طرح معروف به پیشنهاد لاوروف را به جلو می‌برد و با آمریکا و ایران هم در این رابطه به توافق‌هایی رسید.

این طرح یک راه‌حل تدریجی را پیشنهاد می‌کرد که طی آن ایران به تدریج به نگرانی‌ها و سوالات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پاسخ می‌داد و آمریکا و یارانش هم به تدریج از مقدار و شدت تحریم‌ها می‌کاستند. ایران به این طرح پاسخ مثبت داد و حتی حاضر شد که معاهده الحاقی و کد معروف به ۳۰۱ را هم بپذیرد. آمریکا هم با چارچوب کلی طرح موافق بود ولی روی جزئیات آن شروع به چانه‌زنی با روس‌ها کرد. به نظر می‌رسید سرانجام راه‌حلی پیدا شده باشد. ضمناً ایران داشت با آمریکا روی مساله افغانستان هم مذاکره می‌کرد که نتیجه‌اش کنفرانس اخیر در ترکیه بود و قرار است در بن پایتخت آلمان هم با هم نشست داشته باشند (طرح بن دوم).

در همین حال دشمنان بهبودی در رابطه هم بیکار ننشسته بودند. آنها کماکان و به بهانه‌ها و توطئه‌های گوناگون ایران و آمریکا را از هم دور نگه می‌داشتند. اول کنگره آمریکا جامع‌ترین لایحه تحریمی آمریکا علیه ایران را تصویب کرد. در ادامه دشمنی با رابطه، کنگره طرفدار اسرائیل آمریکا طرحی را در هفته‌های اخیر تصویب کرده که خواستار تحریم روی بانک مرکزی و نفت و گاز ایران است. این طرح همچنین هر نوع دیپلماسی (یعنی دیدار و مذاکره بین مقامات رسمی ایران و آمریکا) را غیرقانونی می‌کند. اما بزرگ‌ترین خراب‌کاری دشمنان بهبود رابطه را باید توطئه تلاش برای ترور سفیر عربستان در واشنگتن توسط جمهوری اسلامی (سپاه قدس) دانست.

و بالاخره در ادامه این دشمنی، مخالفان بهبود در رابطه، گزارش آژانس را حتی قبل از اینکه منتشر شود به عنوان سندی که نشان می‌دهد ایران دارد بمب می‌سازد به دنیا معرفی کردند. اگر چه گزارش منتشر شده چنین برداشتی ندارد اما اسرائیلی‌ها و طرفدارانشان کماکان اصرار دارند که سند نشان می‌دهد که ایران دارد بمب می‌سازد. در همین حال و با استفاده از همه این تحریکات و توطئه‌ها، مقامات رسمی اسرائیل شروع به تهدید ایران به جنگ کردند و دنیا نیز به شکلی قانع شد که انگار حمله آنها به ایران نزدیک است. ما الان در این مرحله هستیم. همچون گذشته، هر وقت اتفاق یا اتفاقات مثبتی در رابطه ایران و آمریکا افتاده است، بلافاصله دشمنان بهبودی در رابطه علیه آنها تجهیز شده و مسیر را به سوی دشمنی بیشتر پیش برده‌اند.

نسبت دادن این همه اتفاق بد بین ایران و غرب به دشمنان گمنام بهبود رابطه، صحت تحلیل شما را به شدت زیر سوال می‌برد. اینطور نیست؟

نه! این دشمنان گمنام نیستند. ما همه آنها را می‌شناسیم. هم با اسم، هم با ایدئولوژی و هم با کشور مبداء. اینها هم در آمریکا هستند، هم در ایران، هم در اسرائیل، هم در دنیای عرب و هم حتی در اروپا. در بین آنها مقامات رسمی وجود دارند، گروه‌های تروریستی وجود دارند، مخالفین حکومتی وجود دارند، سازمان‌های جاسوسی وجود دارند و غیره. اگر در اینجا نمی‌شود مشخصاً از آنها اسم برد به این معنی نیست که این دشمنان وجود ندارند و یا حرف‌های من اتهاماتی بیش نیستند. می‌گویند اثبات پالوده در خوردن آن است. مگر در سی و چند سال گذشته ما این دشمنان بهبودی رابطه را کم دیده‌ایم که حالا شما باید به دنبال شناسنامه آنها باشید؟

بسیار خوب، به فرض اگر بپذیریم که این مخالفان وجود دارند آیا میزان نفوذ آنها به این اندازه است که به تعبیر شما چرخه مثبت تحولات بین ایران و غرب را 180 درجه تغییر بدهند تا آنجا که مناقشات به نقطه غیرقابل برگشت برسد؟

متأسفانه آری. فقط به دو دلیل اشاره می‌کنم. یکی اینکه این نیروها، مخصوصاً اسرائیل و عربستان که از دشمنان اصلی و موثر هستند تا بخواهی نفوذ مالی و سیاسی دارند. کنگره آمریکا توسط اسرائیل اداره می‌شود. خود رئیس‌جمهور آمریکا هم اسیر آنهاست. دشمنی ایران و اسرائیل عامل اصلی مشکل ایران و آمریکا است. دوم، در حوزه‌هایی که ایران حرکت‌های مثبت می‌کند ربط مشخصی با مشکلات اصلی رابطه ندارند. مثلاً افغانستان مشکل ایران و آمریکا نیست، زندانیان آمریکایی در ایران از مشکلات اصلی ایران و آمریکا نبودند و غیره. مشکل اصلی غنی‌سازی اورانیوم، حمایت از مخالفین اسرائیل در منطقه، دشمنی رسمی و مستقیم ایران با اسرائیل و نزدیکی روزافزون ایران به رقبای جهانی آمریکا یعنی چین و روسیه است. تا سر این مسایل اساسی یک حرکت مثبت شکل نگیرد هر حرکت مثبت دیگری به آسانی قابل تخریب خواهد بود همانطور که تا به امروز هم بوده‌اند.

سناریوی آغاز دور جدید فشار آمریکا علیه ایران با اتهام باورنکردنی ترور سفیر عربستان در تهران شروع شد. قبل از اینکه بخش‌های دیگر این سناریو را بررسی کنیم، این سوال به طور جدی مطرح است که این طرح چرا به فاصله چند روز قبل از انتشار گزارش احمد شهید و گزارش یوکی آمانو منتشر می‌شود؟

من اعتقاد دارم که این طرح را موساد اسرائیل پیاده کرد. طرح لاوروف اسرائیلی‌ها را به شدت نگران کرده بود که نکند ایران و آمریکا به توافقی روی غنی‌سازی اورانیوم برسند که مبنی بر آن ایران بتواند به غنی‌سازی ادامه دهد. اسرائیل با هر نوع و اندازه غنی‌سازی مخالف است. در همین حال هم از مدت‌ها پیش مشکل تروریسم در رابطه ایران و آمریکا در حال فراموشی بود و تحت شعاع غنی‌سازی قرار گرفته بود. اسرائیلی‌ها طرح ترور سفیر عربستان را پیاده کردند که موضوع تروریسم به رابطه برگردد و عمده شود و جلوی حرکت مثبت احتمالی در سازش روی غنی‌سازی را بگیرد. در همین حال اسرائیلی‌ها با این طرح می‌خواستند عربستان را هم که بعد از بحران بحرین از ایران خیلی دلخور شده بود با خود بیشتر همراه کنند.

مساله حقوق بشر هم یک جریان تکمیلی است. نه اینکه آنها نگران حقوق بشر در ایران باشند بلکه به این دلیل که این امر مردم ایران را به تصور اسرائیل و آمریکا همراه آنها می‌کند. در مجموع این حرکت‌ها در جهت فشار بیشتر روی نظام طرح می‌شوند. سیاست آقای اوباما هم روی دوا ایستاده است: تحریم‌های بیشتر و روابط عمومی با مردم ایران. اسرائیلی‌ها خوشحال خواهند شد اگر جمهوری اسلامی سرنگون شود اما مشکل آنها با سرنگونی نیز حل نمی‌شود. آنها می‌خواهند قدرت ایران را نابود کنند. به همین دلیل هم اصرار دارند که اوباما به‌جای تکیه بر سرنگونی بر جنگ با ایران تکیه کند. البته آمریکایی‌ها مقاومت کرده و خواهند کرد. تا کجا، کسی نمی‌داند. اما این را می‌دانیم که این رابطه سرطان دارد و اگر معالجه نشود می‌کشد.

شما به این قطعیت اتهام طرح ترور سفیر عربستان را به اسرائیل مرتبط می‌کنید، این خبر با منبع موثق است یا تحلیل‌تان از این رویداد را می‌گویید؟

البته من اطلاعات سری ندارم اما بعد از 25 سال در این رابطه می‌توانم به جرأت بگویم که بعضی از جزئیات را می‌دانم و حرکت‌ها را می‌فهمم. البته اسرائیلی‌ها هم این اتهام را که از سوی دیگران نیز مطرح شده، رد نکرده‌اند. آنها فقط ساکت مانده‌اند. ضمناً اگر می‌خواهی بدانی چه کسی این کار را کرده است از خودت سوال کن چه کسی بیشترین سود را از این واقعه می‌برد و چه کسی هم در عین حال امکانات سر هم کردن چنین توطئه‌ای را دارد. جواب در هر دو مورد اسرائیل است. ضمناً یادت باشد که اسرائیلی‌ها این روزها با بی‌شرمی مسولیت ترور دانشمندان ایرانی و حمله ویروسی به کامپیوترهای استراتژیک ایران را می‌پذیرند و به آنها افتخار هم می‌کنند. جالب این است که حتی دولت اسرائیل با شگفتی تمام در مورد انفجار اخیر در مرکز جهاد خودکفایی سپاه اعلام مسولیت می‌کند گرچه ایران آن را رد کرده است.

اما از این طرف ایران قویا اتهام ترور را رد کرد. بنابراین صورت مساله اینگونه می‌شود که اسرائیل اراده کرده است که بازی جدید ایران و غرب را بهم بزند. غرب هیچ اما ایران که بیکار نمی‌نشیند تا اسرائیل هرکاری بخواهد بکند. این را قبول دارید؟

آری ایران اتهام ترور را به درستی رد کرده است اما شنونده اسرائیل برای این توطئه‌ها ایران نیست بلکه آمریکا و عربستان بودند که متاسفانه هر دو هم این دروغ را پذیرفتند. اسرائیل نفع خودش را برد حالا ایران هر چه بخواهد حاشا کند. در روابط بین‌المللی حقیقت ارزش کمتری از اطلاعات مغرضانه دارد، مخصوصا در روابطی که دشمنانه‌اند. در دعوا حلوا پخش نمی‌شود.

سناریونویسی آمریکایی‌ها اگر با هدف حمله نظامی نباشد قطعا به منظور تنگ‌تر کردن حلقه محاصره علیه ایران است. اگر فرض توطئه علیه بهبود رابطه دو طرف را بپذیریم ایرانی‌ها برای دفع خطر چه باید می‌کردند؟

این ایده که فقط یک طرف مسوول است راه به‌جایی نمی‌برد. آمریکا و ایران دشمن شده‌اند و هر دو مقصراند. اینکه چه کسی کمتر و بیشتر مقصر است مهم نیست چون روابط بین کشورها اینگونه تنظیم نمی‌شود. من شخصا آمریکا را بیشتر مقصر می‌دانم مخصوصا آن آمریکایی‌ها که به دنبال منافع اسرائیل و عربستان است. در سومین قدم بیمار باید بپذیرد که معالجه شود یعنی حرف پزشکی را بپذیرد، حاضر به جراحی بشود و دواهای تجویز شده را بخورد. یعنی باید اراده لازم در بالاترین سطح برای حل مشکل به‌وجود آید. در چهارمین قدم، هر دو طرف باید بپذیرند که صدمه و هزینه بیماری از درد و هزینه درمان بیشتر است و بخواهند یک حساب منطقی سود و ضرر بکنند. متاسفانه هر دو طرف از این کار ابا داشته‌اند و به غرور ملی باید در جهت منافع ملی باشند.

منافع ملی ایران حکم می‌کند که این رابطه بهبود یابد. هم برای نظام خوب است و هم برای ایران و مردم شریف و صلح‌دوست آن حماس دیگر در آمریکا به‌عنوان تروریست مطرح نیست. حتی طالبان هم از روی لیست تروریست دارد برداشته می‌شود. تنها حزب‌الله و القاعده می‌مانند و آنها را هم دارند به ایران وصل می‌کنند. و بالاخره، جمهوری اسلامی باید یک تفکر استراتژیک جدید را درباره قدرت خود، نقش منطقه‌ای خود، و رابطه خود با شرق و غرب پیش ببرد. دنیا و منطقه دارند عوض می‌شوند و نمی‌شود با همان فرمول‌های جنگ سرد با این دنیا کار کرد.

من داشتم مدرکی را از وزارت امور خارجه ایران می‌خواندم که در آن رسماً سیاست ایران در قبال آمریکا، سیاست تقابل تعریف شده است. خب اگر سیاست ایران این است چه انتظاری از طرف مقابل که امپریالیست هم هست و گرگ هم هست می‌شود داشت. به نظر من ایران باید از سیاست تقابل به‌سوی سیاست تعامل برود ولی در چارچوب عزت و حاکمیت ملی. یادمان باشد که همه مسائلی که در رابطه ایران و آمریکا وجود دارند قابل مذاکره‌اند جز خواست نابودی اسرائیل.

این توصیه‌ها برای ترمیم رابطه در شرایط غیربحرانی است اما الان شرایط بحرانی است. برای غلبه بر این بحران در کوتاه مدت چه باید می‌کردند؟

آمریکایی‌ها دیگر در مود سازش نیستند. فکر آنها این است که جمهوری اسلامی را در تله انداخته‌اند و یک روز هرچه را که بخواهند از آن می‌گیرند. در حالی که آمریکایی‌ها حاضرند کمی صبر داشته باشند، اسرائیلی‌ها بی‌صبرتر می‌شوند. آنها تغییر رژیم و جنگ می‌خواهند. آمریکا هم تغییر رژیم می‌خواهد ولی آماده جنگ نیست. خوشبختانه اسرائیلی‌ها بدون کمک آمریکا قادر به یک جنگ با دوام با ایران نیستند. پس هنوز فرصت برای برگرداندن این وضعیت خطرناک وجود دارد. ایران باید چند کار مهم در کوتاه مدت انجام دهد. اول درباره سیاست داخلی باید آشتی ملی برقرار شود.

آشتی ملی ایرانیان بزرگترین ضربه را به دشمنان ایران وارد می‌کند. در قدم دوم، ایران باید همکاری با آژانس را گسترش دهد. تصویب و اجرای معاهده الحاقی یک قدم بزرگ خواهد بود. سوم، ایران باید سیاست منطقه‌ای خود را در حرف و عمل به‌سوی مالزی کردن آن پیش ببرد. و بالاخره، ایران باید به‌طور وسیع از میانجیگری چین و روسیه استفاده کند. باید این دو کشور قانع شوند که ایران هدف حل مساله را دارد چون فقط در این صورت است که کمک خواهند کرد.

شما گفتید که تنها عربستان و آمریکا این اتهام را جدی گرفته‌اند اما دقیقا پس از این اتهام‌زنی‌ها مراسم حج با حضور حجاج ایرانی برگزار شد. سفیر عربستان هم هنوز در نهران است اگر واقعا این اتهام را جدی گرفته‌اند چرا همه چیز بین دوکشور عادی و تخاصم بیشتر تبلیغاتی است؟

موضوع حج یک مساله دینی و اسلامی است و عربستان هرگز نخواهد توانست آن را وارد مشکلات سیاسی خود بکند. واقعیت این است که عربستان پذیرفت ولی در همین حال هم نمی‌خواهد برای یک حادثه که خیلی‌ها آن را ساختگی می‌پندارند رابطه‌اش را با ایران قطع کند. کشورها در حال جنگ نیز رابطه را حفظ می‌کنند. از طرف دیگر، عربستان می‌خواست در منطقه از حادثه استفاده استراتژیک ببرد که برد. ایران و عربستان الان در بحرین و سوریه جدا با هم مشکل دارند اما اینطور

نیست که باید قطع رابطه کنند و یا وارد جنگ شوند. رابطه این دو کشور خراب است و کشوری که کمی رعایت می‌کند ایران است و نه عربستان. این ایران است که دارد عقب‌نشینی می‌کند در حالی که عربستان سوار اسب اعتراض و افتراء است. عملاً هم يك کشور مستقل که يك روز مال ایران بوده را اشغال کرده است.

آمریکا می‌داند که ایران کوتاه نمی‌آید. موضع‌گیری مقامات ایرانی این را نشان داده از آنطرف اگر طراحی این سناریو را برای ایجاد هراس به منظور تغییر رفتار بوده ظاهراً این هم نگرفته. حمله نظامی هم اگر نگوییم غیرممکن اما بعید است. در کوتاه‌مدت آمریکا به دنبال چه بود؟

آمریکا از روز اول از انقلاب اسلامی متنفر بود و می‌خواست آن را نابود کند. امروز هم آمریکا به دنبال نابود کردن انقلاب است. متأسفانه عملکردهای جمهوری اسلامی هم کمکی نکرده است که آنها دست از این کارها بردارند. آیا این امکان وجود داشت که آمریکا را دوست جمهوری اسلامی کرد و یا حداقل از دشمنی زیاد جلوگیری به عمل آورد؟ من اعتقاد دارم که می‌شد. اما متأسفانه همه چیز در جهت خلاف این مسیر پیش رفت تا جایی که امروز آمریکا فقط يك هدف دارد و آن تغییر نظام اسلامی در ایران است. اما همانطور که گفتم اگر چه دیر شده هنوز هم روزنه امیدی هست چراکه آمریکا می‌داند که جمهوری اسلامی به این سادگی سرنگون نمی‌شود و ایرانیان وقتی به دشمن خارجی می‌رسند دور هم جمع می‌شوند. شاید باید جواب این سوال را اینطور به پایان ببرم که آمریکا می‌خواهد جمهوری اسلامی را سرنگون کند اما چون نمی‌تواند به تغییر رفتار رضایت خواهد داد اما جداً نمی‌داند باید چه کار کند. آمریکا جداً درمانده است.

آیا برای حل مساله یا ارسال پیغامی به آمریکا از لابی شورای آمریکاییان ایرانیان درخواستی صورت گرفته؟

شورا دائماً با آمریکایی‌ها در تماس است. همین چند وقت پیش من پیامی را به ایران منتقل کردم که در آن آمریکایی‌ها خواهان امضاء يك توافقنامه بودند که بر اساس آن جلوی برخورد حادثه‌ای بین نیروهای آمریکا و ایران در خلیج فارس گرفته شود. نظیر این قرارداد را آمریکایی‌ها با شوروی سابق داشتند. اما وظیفه اصلی شورا بردن و آوردن پیام نیست بلکه ایجاد درک بهتر بین دو کشور است و ما کماکان روی این هدف تکیه داریم. رابطه را دولت‌ها تنظیم می‌کنند نه سازمان‌های غیردولتی مثل شورا.

اگر ممکن است درباره این پیام بیشتر توضیح دهید. به طور مشخص از طرف کدام نهاد آمریکایی وبه چه نهادی در ایران این پیام را دادید؟

پیام از سوی فرماندهی نیروهای آمریکا در خلیج فارس به من داده شد. البته آن فرماندهی بدون اجازه رئیس‌جمهور نمی‌توانست این کار را بکند. به هر حال آن پیشنهاد از طرف ایران رد شد.

این با آن درخواست خط تماس اضطراری فرق دارد یا همان درخواست است؟

خط تماس برای اجرای آن پیشنهاد مطرح شده بود. نظام ایران البته این پیشنهاد را غیرضروری دانست چون معتقد است ایران هرگز باعث حادثه‌ای نخواهد شد.

لینک ثابت:

<http://www.aseanweekly.com/article/721/>